



باقری، محمود؛ شارع پور، محمود و کریمی موعاری، زهرا (۱۳۹۸). بررسی تأثیر نگرش به کیفیت و عملکرد نهادهای دولتی بر اعتماد اجتماعی در میان شهروندان شهر شیراز (بررسی تجربی نظریه‌های نهادمحور). *جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی*، ۶(۱۴)، ۳۱۵-۲۸۷.

بررسی تأثیر نگرش به کیفیت و عملکرد نهادهای دولتی بر اعتماد اجتماعی در میان شهروندان شهر شیراز (بررسی تجربی نظریه‌های نهادمحور)

محمود باقری^۱، محمود شارع پور^۲ و زهرا کریمی موعاری^۳

تاریخ دریافت: ۱۳۹۸/۶/۱۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۲

چکیده

مفهوم اعتماد از مهم‌ترین مولفه‌های نظریه سرمایه اجتماعی و نشان‌دهنده‌ی توجه به روابط اجتماعی می‌باشد. با توجه به اینکه اکثر پژوهش‌های انجام‌شده در ایران بر رهیافت جامعه‌محوری استوار است و اندک پژوهشی به رهیافت نهاد محور توجه داشته است، لذا تحقیق حاضر بر پایه رهیافت نهاد محور می‌باشد. روش تحقیق حاضر، پیمایشی و مقطعی بوده که حجم نمونه پژوهش حاضر را ۳۸۴ نفر از شهروندان ۶۵-۱۵ ساله شهر شیراز تشکیل داده‌اند. اطلاعات از این افراد با ابزار پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری گردیده است. ضریب آلفای مربوط به همه متغیرهای تحقیق بالای ۰/۷۰ می‌باشد و تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم افزار اسپاس صورت گرفته است. در نهایت نتایج پژوهش حاضر حاکی از آن است که نگرش افراد به کیفیت و عملکرد نهادهای دولتی قادر به تبیین ۵۴ درصد از تغییرات اعتماد اجتماعی است. گفتنی است که متغیرهای: احساس امنیت، اعتماد نهادی، نگرش به حقیقت‌گویی، نگرش به وفای به عهد و نگرش به انصاف تأثیر مثبت و معناداری بر اعتماد اجتماعی داشتند. متغیر نگرش به فساد اداری و تجربه تبعیض تأثیر منفی و معناداری بر اعتماد اجتماعی دارد. متغیر نگرش به همبستگی تأثیر معناداری بر اعتماد اجتماعی نداشته است.

کلید واژه‌ها: نگرش؛ سرمایه اجتماعی؛ اعتماد اجتماعی؛ اعتماد تعمیم یافته؛ اعتماد نهادی.

۱- کارشناس ارشد جامعه‌شناسی دانشگاه مازندران (نویسنده مسئول)، mahmoodbagheri71@gmail.com

۲- استاد گروه علوم اجتماعی دانشگاه مازندران، sharepour@yahoo.com

۳- دانشیار گروه اقتصاد دانشگاه مازندران، zahra.karimimoughari@gmail.com

۱- مقدمه و بیان مسئله

مفهوم اعتماد از مهم‌ترین مولفه‌های نظریه سرمایه اجتماعی^۱ و نشان‌دهنده‌ی توجه به روابط اجتماعی می‌باشد. اگرچه این مفهوم تا چند دهه پیش در کانون نظریات جامعه‌شناسی قرار نداشت اما می‌توان گفت همواره حضور ساکتی در بیشتر آثار اصلی جامعه‌شناختی داشته است (غلام‌زاده و شارع‌پور، ۱۳۸۸: ۲۲۲). اعتماد اجتماعی^۲ کارکردهای بسیاری برای جوامع امروزی دارد. اعتماد یکی از عناصر نظم اجتماعی به شمار می‌رود؛ نظمی که روابط، مناسبات، اعمال، رفتار و کنش‌های کنشگران را پیش‌بینی پذیر، الگو دار و قاعده‌مند می‌سازد (ازکیا و حسنی راد، ۱۳۸۸: ۹). اعتماد باعث تداوم کنش اقتصادی، سیاسی، اجتماعی، فرهنگی می‌شود و بدون آن هیچ کنش متقابل مطمئنی شکل نمی‌گیرد، و همچنین باعث افزایش مشارکت در طرح‌های توسعه (همان، ۱۳۸۸) و بالطبع موجب افزایش کارایی نظام سیاسی اقتصادی جامعه می‌شود (هالپرن^۳، ۲۰۰۵: ۲۱۲). در نبود اعتماد، اغلب سیستم‌های نسبتاً پیچیده باید هزینه‌ی بسیاری جهت محافظت در برابر سوءاستفاده و فرصت‌طلبی صرف کرده و به ایجاد نظارت دقیق و مجازات و جریمه‌های مؤثر بپردازند. حتی قانون یک ابزار غیر نافذ است که به گونه مؤثر نمی‌تواند نوعی از نظم اجتماعی ایجاد کند که از وجود روابط اعتماد آمیز در یک گروه و یا جامعه ناشی می‌گردد (کوک^۴، ۲۰۰۱: ۷). در صورتی که در فضای پر از اعتماد دیگر نیازی به هزینه‌های اضافی برای جلب اعتماد طرفین در مبادلات نیست و سرعت مبادلات افزایش می‌یابد (شاطریان و همکاران، ۱۳۹۱: ۵۱). گرچه همه جامعه‌شناسان معتقدند کاهش اعتماد اجتماعی دارای پیامدهای گوناگون است و با توجه به پیچیدگی‌های جهان معاصر نمی‌توان زندگی بدون وجود اعتماد اجتماعی در بین افراد را متصور شد (اشتومکا^۵، ۱۳۸۷؛ گیدنز^۶، ۱۳۸۴؛ روستاین^۷، ۲۰۰۵). اما در مورد عواملی که موجب اعتماد اجتماعی هستند، اختلاف نظر وجود دارد؛ عده‌ای مانند اوسلینر^۸، فوکویاما^۹،

-
- 1- social capital
 - 2- social trust
 - 3- Halpern
 - 4- Cook
 - 5- Sztompka
 - 6- Giddens
 - 7- Rothstein
 - 8- Uslaner
 - 9- Fukuyama

بنفیلد^۱ و پاتنام^۲ رویکرد جامعه‌محور را در پیش گرفته‌اند و معتقدند شبکه انجمن‌ها و سازمان‌های واسطی که جامعه مدنی را تشکیل می‌دهند، موجد اعتمادند (منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸: ۱۹۵). پاتنام یکی از صاحب نظران رهیافت جامعه محور معتقد است آنچه به وجود آورنده و تقویت کننده اعتماد است، هنجار معامله به مثل و وجود شبکه‌هایی برای مشارکت مدنی فرد است که از آن تحت عنوان سرمایه اجتماعی یاد می‌شود. (صدیق سروستانی، ۱۳۸۲ به نقل از شارع پور، ۱۳۸۸: ۵). همچنین عضویت در انجمن‌های داوطلبانه باعث یادگیری نگرش‌های همکاری و تعاون در فرد شده و او را به انجام این نوع رفتارها تشویق می‌نماید. عضویت در این انجمن‌ها سبب می‌شود که تعامل چهره به چهره افزایش یافته و فضای بهتری برای توسعه اعتماد پدید آید. بتدریج این اعتماد بین فردی به کل جامعه تعمیم می‌یابد (شارع پور، ۱۳۸۸: ۶). اما نهادگرایان در رهیافت دوم، نهادهای موجود در جامعه را به‌عنوان عاملی مهم در ایجاد یا تخریب اعتماد مورد توجه و تأکید قرار می‌دهند. از اندیشمندان این رهیافت می‌توان به اوفه^۳ (۱۹۹۹)، لوی^۴ (۲۰۰۰)، روستاین و استول^۵ (۲۰۰۸) و تارو^۶ (۱۹۹۶) اشاره کرد.

نظریه پردازان رهیافت نهادمحور معتقدند سرمایه اجتماعی باید در ارتباط با نهادهای رسمی و قانونی بررسی شود و مستقل از آن‌ها به وجود نمی‌آید، به نظر آن‌ها قابلیت شهروندان برای توسعه اعتماد اجتماعی به شدت تحت تأثیر نهادهای دولتی و سیاست‌های آن‌ها است. در این رهیافت، تأکید اصلی بر نهادهای کارآمد است که به واسطه کارآمدی و عدالت خود، قراردادهای بین افراد را تضمین می‌کنند و خیانت کنندگان به قراردادهای مجازات می‌نمایند. از این رو افراد به این نتیجه می‌رسند که سایر شهروندان به خاطر وجود نهادهای قانونی کارآمد، به اعتماد آنها خیانت نمی‌کنند و بنابراین قابل اعتماد هستند (منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸). به عقیده روستاین برداشت‌های افراد از نهادهای سیاسی کارآمد، عادل و منصف و این حقیقت که بیش تر شهروندان عقاید مشابه هم دارند، بر اعتماد تعمیم‌یافته^۷ افراد مؤثر است. نهادهای دولتی، منشأ ایجاد اعتماد هستند، فقط در صورتی که شهروندان آن‌ها را قابل اعتماد بدانند. بر طبق نظر وی مهم است که دولت قراردادهایی منعقد سازد که در آن برای فراهم آوردن اطلاعات، نظارت بر قوانین و اجرای

1- Banfield

2- Putnam

3- Offe

4- Levi

5- Stolle

6- Tarrow

7- generalized trust

آن‌ها و اعمال حقوق و قوانین مربوط به مجازات قانون‌شکنان و حمایت از اقلیت‌ها، تأکید شود. بنابراین وظیفه نهادهای قانون و نظم، شناخت و مجازات افراد خائن است که دست به دزدی، جنایت و سایر اعمال غیرهمکارانه زده و بنابراین اعتماد را خدشه‌دار می‌کنند. اگر شهروندان بدانند که این نهادها به‌طور منصفانه و کارآمد عمل می‌کنند، می‌توانند باور کنند که شانس فرار افراد خائن و غیرقابل اعتماد از چنگال قانون کم است، در نتیجه شهروندان به این نتیجه می‌رسند که مردم دلیل خوبی برای اجتناب از این‌گونه رفتارها دارند و بنابراین بیشتر مردم قابل اعتماد هستند. به‌طور خلاصه فقدان اعتماد به نهادها و وجود فساد و رشوه‌خواری و احساس ناامنی در رابطه با دیگران، بر اعتماد تعمیم‌یافته افراد تأثیر می‌گذارد (روئستاین و استول: ۲۰۰۸: ۱۷).

مطالعه انجام شده توسط رفیع پور در ایران نیز نشان می‌دهد ۶۱ درصد از مردم معتقد بودند که فساد (رشوه و دزدی) در سیستم دولتی در طی ۵ سال گذشته افزایش یافته است. ۵۸ درصد نیز نسبت به آینده (در مورد کمتر شدن فساد) بدبین بودند (رفیع پور، ۱۳۸۸).

با توجه به اینکه از یک‌سو تحقیقات گوناگونی در ایران بیانگر سطح پایین اعتماد اجتماعی است (شارع پور، رازقی، غلام‌زاده، ۱۳۹۰؛ حضرتی، ۱۳۸۹؛ روشنفکر، ۱۳۸۴؛ محمدی، ۱۳۸۴؛ فدوی و نوابخش، ۱۳۸۷؛ سرایی و صفیری، ۱۳۸۸؛ آزاد ارمکی و کمالی، ۱۳۸۳)، و از سوی دیگر اکثر پژوهش‌های انجام‌شده در ایران بر رهیافت جامعه‌محوری استوار است و اندک پژوهشی (منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸؛ شارع پور، ۱۳۸۸؛ شارع پور، فاضلی، اقراریان، ۱۳۹۱؛ شارع پور، فاضلی، اقراریان، ۱۳۹۲) بر رهیافت نهادگرایان توجه داشته است، و با توجه به این‌که در تحقیقات داخلی انجام گرفته کمتر محققى به مسئله نگرش^۱ به نهادهای اجتماعی بر کاهش اعتماد با نگاه نهادگرایانه توجه داشته است، لذا بررسی رویکرد نهاد محور^۲ در مورد اعتماد اجتماعی ضرورت می‌یابد. در تحقیق حاضر بر آنیم با استفاده از نظریات رهیافت نهاد محور به بررسی تأثیر نگرش افراد به کیفیت و عملکرد نهادهای دولتی بر اعتماد اجتماعی بپردازیم.

با توجه به اینکه نگرش قابل تقسیم به سه بعد شناختی، عاطفی و رفتاری است. عنصر شناختی؛ شامل اعتقادات و باورهای شخص درباره یک شی یا اندیشه است. افراد نسبت به پدیده‌ها و آنچه پیرامون آنها است، دارای آگاهی‌ها و اطلاعات متفاوتی بوده‌اند و به شیوه‌های مختلف به پردازش می‌پردازند و به ادراکات و شناخت‌های متفاوتی از آن دست می‌یابند و لذا، افراد در مقایسه با یکدیگر نگرش‌های متفاوتی نسبت به جهان پیرامون خود دارند. عنصر دوم

1- attitude

2- institution-centered

نگرش، عنصر احساسی یا عاطفی آن است. انسان‌ها بر اساس باورها و اعتقادات خود نسبت به پدیده‌های مختلف در جهان پیرامون خود، دارای احساسات و عواطف گوناگونی هستند. سومین عنصر نگرش، عنصر رفتاری آن است. تمایل به عمل و آمادگی برای پاسخگویی به شیوه‌ای خاص، عنصر رفتاری نگرش محسوب می‌شود (علیوردی نیا، رستمیان و خاکزاد، ۱۳۹۴: ۳۰۰). در این تحقیق منظور از نگرش بعد شناختی آن است و اعتقادات، باورها و ادراک شخص در رابطه با کیفیت و عملکرد نهادها مدنظر است.

۲- پیشینه پژوهش

۲-۱- پژوهش‌های تجربی

شارع پور (۱۳۸۸)، با «بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی به نیروهای انتظامی (مطالعه موردی: استان مازندران)» که بر اساس تفکیک بین دو رویکرد اصلی: نهادمحور و جامعه‌محور^۱ صورت گرفت نشان داد که در تبیین اعتماد مردم به پلیس بیش از متغیرهای فردی و مشارکت در انجمن‌های داوطلبانه، متغیرهای اجتماعی و به‌خصوص عوامل مربوط به حکومت عادلانه و کارآمد مؤثر است. بر این اساس، نوع نگرش مردم به کنشگران دولتی و نحوه عملکرد سازمان‌های دولتی بر ارزیابی آنان از قابلیت اعتماد به پلیس تأثیر فراوانی دارد. تحقیق منصوریان و قدرتی (۱۳۸۸) با عنوان «اعتماد اجتماعی و تعیین‌کننده‌های آن رهیافت نهاد محور یا رهیافت جامعه‌محور؟ (مورد مطالعه شهر سبزوار)» که با دو بعد: اعتماد رقیق یا تعمیم‌یافته و اعتماد غلیظ یا خاص‌گرایانه سنجیده شده است نشان داد که بین متغیرهای مستقل، تجربه تبعیض^۲، فساد^۳، احساس امنیت اجتماعی، اعتماد نهادی^۴ و سن، با اعتماد رقیق رابطه معنی‌داری وجود دارد. جهت رابطه برای دو متغیر اول، معکوس و برای سایر متغیرها، مستقیم می‌باشد اما رابطه متغیرهای میزان عضویت در گروه‌های رسمی، میزان استفاده از رسانه‌ها، میزان عضویت در گروه‌های غیررسمی، تحصیلات، درآمد و مرتبه شغلی معنی‌دار نیست. در تحقیق شارع پور، فاضلی، اقراریان (۱۳۹۲) پیرامون «بررسی بین‌کشوری عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد به نهادهای رسمی» که روش پژوهش آن از نوع تحلیل ثانویه بوده است، ابتدا کشورهای مختلف از لحاظ میزان اعتماد به نهادهای رسمی، به شش گروه تقسیم شدند. یافته‌ها نشان داد که بین این شش گروه از کشورها، تفاوت میانگین

-
- 1- society-centered
 - 2- experiences of discrimination
 - 3- corruption
 - 4- institutional trust

معناداری از لحاظ متغیرهای کنترل فساد، حاکمیت قانون، کارآمدی حکومت و اعتماد به نهادهای رسمی وجود دارد؛ اما بین این شش گروه، تفاوت میانگین معناداری از لحاظ دموکراسی انتخاباتی، حقوق سیاسی و آزادی مدنی، مشارکت اجتماعی با اعتماد به نهادهای رسمی وجود ندارد.

مطالعه ریچی^۱ (۲۰۰۹) در خصوص «تأثیر فساد بر اعتماد اجتماعی» اثر بارزی از فساد اداری بر اعتماد تعمیم‌یافته را نشان می‌دهد که زندگی در کشورهای با فساد اداری زیاد اعتماد تعمیم‌یافته را کاهش می‌دهد و همچنین این تحقیق دانش ما از چگونگی تأثیر کیفیت نهادی بر اعتماد اجتماعی را گسترش می‌دهد. تحقیق روئستاین (۲۰۱۰) تحت عنوان «فساد، شادی، اعتماد اجتماعی و دولت رفاه: رویکردی به مکانیسم علی» نشان داد که کشورهای با سطوح بالای فساد، سطوح پایینی از شادی، اعتماد اجتماعی و اجرای برنامه‌های دولت رفاه را تجربه می‌کنند، و همبستگی زیادی با یکدیگر دارند. روئستاین در تشریح مکانیسم علی خود اشاره می‌کند که برنامه‌های دولت رفاه با پایین آوردن سطح فساد و بالا بردن سطح اعتماد اجتماعی به بهبود شاخص‌های بهزیستی از جمله شادی کمک می‌کنند. تحقیق رابینز^۲ (۲۰۱۲) پیرامون «کیفیت نهادی و اعتماد تعمیم‌یافته» که داده‌های آن از پیمایش ارزش‌های جهانی توسط بانک جهانی تهیه شده است، نتایج نشان می‌دهد که بین اعتماد تعمیم‌یافته و کیفیت نهادی یک رابطه مثبت متقابل وجود دارد که از رابطه اعتماد عمومی با کیفیت نهادی قوی‌تر است. تامیلینا^۳ و تامیلینا (۲۰۱۴) در پژوهشی با عنوان «تأثیر نهادهای رسمی در شکل‌گیری اعتماد اجتماعی: رویکرد اجتماعی شناختی» پی بردند که سه مکانیزم مجازات، مشروعیت و خودمختاری از طریق نهادهای رسمی می‌توانند به طور مستقیم یا غیرمستقیم بر اعتماد اجتماعی تأثیر گذار باشند. علاوه بر این، تحلیلی تجربی آن‌ها شواهدی از ناهمگونی در تأثیرات نهادی بر اعتماد را ارائه می‌دهد که نشان می‌دهد ابعاد خودمختاری نهادی برای تشکیل اعتماد مهمتر از مؤلفه‌های دیگر است. مطالعه ساندرسکاوا^۴ و دینسن^۵ (۲۰۱۶) با عنوان «آیا اعتماد به دولت، به معنای اعتماد به یکدیگر است؟ اثر نهادی اعتماد بر اعتماد اجتماعی» نشان داد، شواهد محکمی از تأثیر اعتماد نهادی بر اعتماد اجتماعی وجود دارد در حالی که تأثیر اعتماد اجتماعی بر اعتماد نهادی اندک است.

چالش اساسی برای بسیاری از محققان چه در داخل کشور و چه در خارج کشور شناسایی

1- Richey

2- Robbins

3- Tamilina

4- Sønderkov

5- Dinesen

عوامل مؤثر بر اعتماد اجتماعی می‌باشد. مطالعه پیشینه پژوهش نشان می‌دهد در تحقیقاتی که به مقایسه دو رویکرد جامعه‌محور و نهادمحور پرداخته‌اند آنچه که بیشتر بر اعتماد اجتماعی تأثیر می‌گذارد و قدرت تبیین‌کنندگی بیشتری دارد متغیر اعتماد نهادی است و نکته آخری که از محتوای مقالات می‌توان دریافت این است که در این تحقیقات تمرکز زیادی بر رهیافت جامعه‌محوری بوده است و نکته مهمی که اینجا خودنمایی می‌کند خلأ مطالعات صورت گرفته در داخل با رهیافت نهادمحور می‌باشد که تنها مطالعات اندکی با این رویکرد صورت گرفته و اکثر آن‌ها به مقایسه رهیافت نهادمحور و جامعه‌محور پرداخته‌اند.

۲-۲- چهارچوب نظری

در چهارچوب نظری تحقیق حاضر با توجه به غنای نظری موجود در نظریات مختلف در زمینه اعتماد اجتماعی، از نظریه ترکیبی روئستاین و استول و اوفه استفاده شده است. در رهیافت نهادمحور، نهادهای موجود در جامعه عامل اصلی ایجاد و تخریب اعتماد محسوب می‌شوند. در این رهیافت، تأکید اصلی بر نهادهای کارآمد است که به واسطه کارآمدی و عدالت خود، قراردادهای بین افراد را تضمین می‌کنند و خیانت کنندگان به قراردادها را مجازات می‌نمایند. از این رو افراد به این نتیجه می‌رسند که سایر شهروندان به خاطر وجود نهادهای قانونی کارآمد، به اعتماد آنها خیانت نمی‌کنند و بنابراین قابل اعتماد هستند (منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸). وقتی انسان‌ها می‌دانند که اگر اعتماد آن‌ها سوءاستفاده شود، جایی یا کسی وجود ندارد که بتوانند به آن پناه ببرند در چنین شرایطی، طبیعی است که سوءظن داشته و بدبین باشند (شارع پور، ۱۳۸۹). بنابراین در نظریه نهادی، نهادها و عملکرد آن‌ها در خصوص تضمین اعتماد و حمایتگری در برابر خیانت به اعتماد و کارایی آن‌ها در جهت ایجاد اعتماد و جلوگیری از فرسایش اعتماد مورد توجه قرار می‌گیرد (شارع پور، فاضلی، اقراریان، ۱۳۹۱: ۷۰). لوی معتقد است که اگر اعتماد اجتماعی یک امر جمعی باشد پس می‌توان انتظار داشت که نهادها و ساختارهای اجتماعی بخصوص حکومت بر آن تأثیرگذار باشد. هم در سطح نخبگان و هم در سطح توده مردم می‌توان انتظار داشت که حکومت بر اعتماد مؤثر باشد. (لوی و استوکر^۱، ۲۰۰۱ به نقل از شارع پور، ۱۳۸۸: ۵). به همین سان لوی بر این باور است که مهم‌تر از اعتماد بین افراد جامعه، اعتماد به کنشگران دولتی است. از این رو لوی معتقد است که برداشت‌های افراد از نهادهای سیاسی کارآمد، عادل و منصف و نیز این حقیقت که بیشتر

شهروندان عقاید مشابه هم دارند، بر اعتماد تعمیم‌یافته‌ی افراد مؤثر است. نهادهای دولتی، منشأ ایجاد اعتماد هستند، فقط در صورتی که شهروندان آن‌ها را قابل اعتماد بدانند. از نظر روئستاین و استول آنچه برای اعتماد تعمیم‌یافته مهم است، کارآمدی و عدالت این نهادها می‌باشد. در مجموع اگر شهروندان به کارآمدی و عدالت نهادها به‌ویژه نظام قضایی و پلیس اعتقاد داشته باشند، راحت‌تر به دیگران اعتماد می‌کنند. به‌علاوه ارزیابی شهروندان از عملکرد نهادهای دولتی که با آن‌ها تعامل دارند نیز بر عملکرد آن‌ها تأثیرگذار است. به‌طور خلاصه فقدان اعتماد به نهادها، وجود فساد و رشوه‌خواری و احساس ناامنی در رابطه با دیگران، بر اعتماد تعمیم‌یافته افراد تأثیرگذار است (روئستاین و استول، ۲۰۰۸ به نقل از منصوریان و قدرتی، ۱۳۸۸: ۱۹۸). بنابراین برخی نهادها تأثیرات بیشتری بر دیدگاه شهروندان نسبت به دیگر افراد می‌گذارند. این نهادها آن‌هایی هستند که الف) دائمی هستند و با مردم تماس مستقیم دارند. ب) هنجارهای مهم جامعه مانند بی‌طرفی و عدالت را به نمایش می‌گذارند. ج) با یک کالای عمومی ارزشمند یعنی امنیت شخص سروکار دارند. (روئستاین، ۱۳۹۳: ۲۲۳).

نظریه‌ی نهادی روئستاین و استول، بر عامل نهادها و تأثیر آن بر اعتماد اجتماعی، تأکید می‌کند. این نظریه بیان می‌کند که اگر شهروندان بدانند نهادهای مختلف و به‌ویژه نهادهای حقوقی و انتظامی، به‌طور منصفانه و کارآمد عمل می‌کنند، می‌توانند باور کنند که شانس فرار افراد قانون‌شکن و غیرقابل اعتماد از چنگال قانون کم است. در نتیجه شهروندان به این نتیجه می‌رسند که «مردم دلیل خوبی برای اجتناب از این‌گونه رفتارها دارند و از این‌رو قابل اعتماد نیز هستند». وجود فساد، رشوه‌خواری، خودرأیی و سوگیری غیر عادلانه‌ی نهادها به‌ویژه نهادهای قضایی و پلیس، بر اعتماد شهروندان نسبت به کارآمدی نهادها و عدالت آن‌ها، تأثیر می‌گذارد. روئستاین و استول چهار مکانیسم علی تبیین ویژگی‌های نهادی و اعتماد تعمیم‌یافته را به صورت زیر مشخص می‌کنند:

الف) عدالت و کارآمدی نهادی بر احساس امنیت اجتماعی فرد تأثیر می‌گذارد. به عبارت دیگر ترس از دیگران موجب بی‌اعتمادی به آن‌ها می‌شود.

ب) عدالت و کارآمدی نهادها، تعیین‌کننده‌ی برداشت فرد نسبت به حافظان منافع عمومی است. اگر نهادها مورد اعتماد نباشند، مردم نیز مورد اعتماد فرد نخواهند بود.

ج) عدالت و کارآمدی نهادها، نگرش نسبت به رفتار شهروندان را شکل می‌دهد. اگر فرد شاهد رشوه‌خواری و فساد در بین شهروندان باشد خودش نیز برای برآوردن نیازهایش ممکن است دست به چنین کاری بزند. از این طریق اعتماد او به دیگران و نظام، کاهش می‌یابد.

د) نهادها ممکن است موجب تجربه‌ی تبعیض و بی‌عدالتی^۱ در شهروندان به هنگام تماس مستقیم با آنها شوند. به‌عنوان مثال نهادهای فاسد و نا عادل، موجب تجربه‌ی تبعیض و بی‌عدالتی می‌شوند که این به‌نوبه‌ی خود تأثیر منفی بر اعتماد تعمیم‌یافته افراد دارد (روثستاین و استول، ۲۰۰۸: ۱۸-۱۶).

مفهوم اصلی این نظریه عملکرد نهادها است. بنابراین مفهوم عملکرد نهادی، در مدل مفهومی، از نظریه‌ی نهادی اعتماد اخذ شده است. با توجه به مکانیسم‌های علی یاد شده در بالا می‌توان گفت عملکرد نهادی، در قالب چهار متغیر، بر اعتماد اجتماعی تأثیر می‌گذارد. این متغیرها عبارت‌اند از: احساس امنیت اجتماعی فرد در رابطه با سایر شهروندان در جامعه، تجربه‌ی تبعیض واقعی توسط شهروندان در رابطه با نهادها در طول زندگی، میزان اعتماد شهروندان به نهادهای مرتبط به دولت (اعتماد نهادی یا سیاسی)، و نگرش شهروندان در مورد وجود فساد در بین سایر شهروندان در رابطه با نهادها.

اوفه با تأکید بر کیفیت نهادها معتقد است که اگر نهادها به خوب طراحی شوند، می‌توانند زمینه‌ساز اعتماد به افرادی باشند که هرگز با آنها تماس نداشته‌ایم (تاجبخش، ۱۳۸۴: ۲۴۶). از نظر اوفه نهادها به دو صورت اعتماد را بین غریبه‌ها ایجاد می‌کنند. نخست آنها به دلیل اعتبار اخلاقی و تأثیر سازنده‌ی خود بر دیگران، آنها را به اطاعت، ترغیب می‌کنند. دوم این که به دلیل حقوق اجتماعی- حمایتی که فراهم می‌سازند، می‌توانند خطرات ناشی از اعتماد به غریبه‌ها را محدود کنند. اما ارزیابی و آگاهی از کدام کیفیت نهادها است که اعتماد به غریبه‌ها را افزایش می‌دهد و نهادها چگونه به تعمیم اعتماد، کمک می‌کنند؟ پاسخ اوفه این است که نهادها فقط مجموعه‌ی ویژه‌ای از ارزش‌ها را بر دست‌اندرکاران خود تحمیل می‌کنند نه هر ارزشی را. وی ارزش‌های اعتماد‌آفرین نهادها را شامل موارد زیر می‌داند (همان: ۲۵۱)

- حقیقت‌گویی^۲. نهادها اعتماد را تعمیم می‌دهند، چون اعضای خود را به فضیلت‌گویی پایبند می‌سازند و نقص این هنجارها را (عمدی چون دروغ‌گویی، یا غیرعمدی همچون اشتباه کردن) به‌خوبی تشخیص می‌دهند. به غریبه‌ها اعتماد می‌کنیم اگر در چارچوب درستکاری و اعتبار نهادی با آنها مواجه شویم (همان: ۲۵۲).

- وفای به عهد^۳. وفای به عهد به‌ویژه فضیلت محترم شمردن قراردادهای، چیزی نیست مگر گفتن حقیقت را به‌طور جدی. این حقیقت‌گویی درباره‌ی «بدیهیات» جهان نیست، بلکه فعالانه

1- injustice

2- truth-telling

3- promise-keeping

فرضیات مربوط به اقدامات آتی من را اثبات می‌کند و بدین ترتیب آن‌ها را به حقیقت تبدیل می‌کند. در اینجا نیز مجدداً نهادها و الگوهای نهادی متعددی به ذهن خطور می‌کند که کارگزاران را به وفای عهد پایبند می‌سازند (همان: ۲۵۳).

- انصاف^۱. نهادهایی که عملکردی منصفانه و بی‌طرفانه دارند نیز به تعمیم اعتماد کمک می‌کنند، برابری در مقابل قانون و مساوات در مشارکت سیاسی نمونه‌های استاندارد انصاف به‌عنوان انتزاع بی‌طرفی شناختی و شخصیت‌زدایی هستند (همان: ۲۴۵).

- همبستگی^۲. در نهایت رژیم نهادی است که با این تفاوت‌ها ارتباط فعالانه‌ای برقرار می‌کند و نوید جبران آن‌ها را می‌دهد (دست‌کم تفاوت‌هایی را که خارج از حیطه‌ی انتخاب آزادانه افراد هستند و ساختار موجود، با برخورداری نابرابر از موهبت‌ها و محدودیت‌های گریزناپذیری که به توزیع نابرابر فرصت‌های زندگی می‌انجامد، بر افراد تحمیل کرده است) نیز می‌تواند به افزایش اعتماد بینجامد (همان: ۲۵۴).

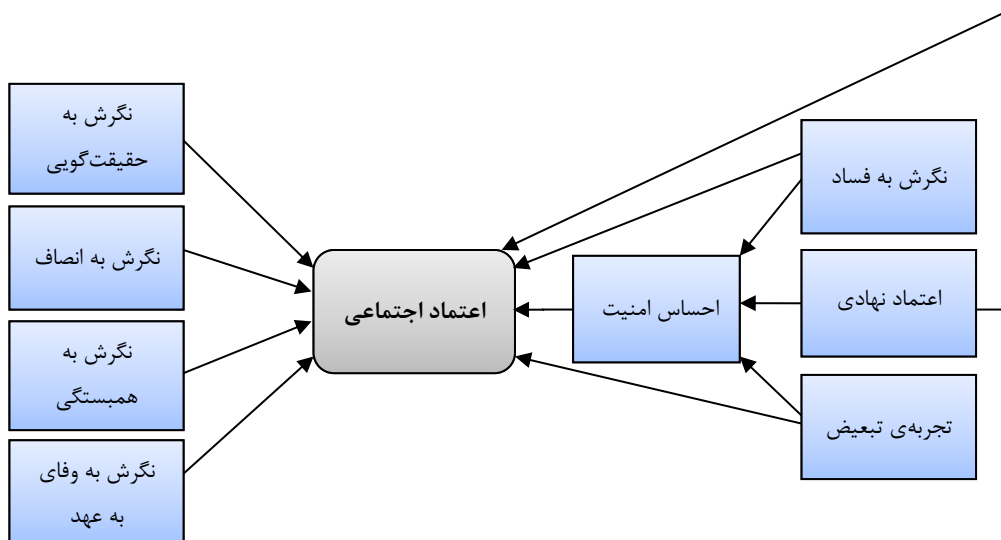
مفهوم اصلی نظریه‌ی اوفه کیفیت نهادی است. بنابراین مفهوم کیفیت نهادی، در مدل مفهومی، از این نظریه اخذ شده است. لذا با توجه به این نظریه می‌توان گفت کیفیت نهادی در قالب چهار متغیر بر اعتماد اجتماعی تأثیر می‌گذارد. این متغیرها عبارت‌اند از: حقیقت‌گویی، وفای به عهد، انصاف و همبستگی.

در اینجا باید یادآور شد که اعتماد بین شخصی و اعتماد به نهادهای اجتماعی به سایر شهروندان که آن‌ها را نمی‌شناسیم دو چیز کاملاً متفاوت است (روستاین، ۲۰۰۰: ۴۸۱). پاتنام نیز تأکید می‌کند که «اعتماد به افراد دیگر به لحاظ منطقی، کاملاً متفاوت از اعتماد به نهادها و قدرت‌های سیاسی است... به لحاظ تجربی، اعتماد سیاسی و اعتماد اجتماعی می‌تواند با هم مرتبط باشد یا هیچ ارتباطی نداشته باشد. اما به لحاظ نظری باید بین آن‌ها تمایز قائل شد. اعتماد به دولت می‌تواند علت یا پیامد اعتماد اجتماعی باشد اما همان اعتماد اجتماعی نیست» (پاتنام، ۲۰۰۱: ۱۳۶).

در مدل نظری چنان‌که می‌بینیم، پیکان‌هایی از سه متغیر اعتماد نهادی، نگرش به وجود فساد و تجربه تبعیض، به متغیر احساس امنیت اجتماعی رسم شده است. به لحاظ نظری می‌توان استدلال کرد که وقتی فرد به نهادها و عملکرد آن‌ها اعتماد ندارد؛ و معتقد است که سایر شهروندان برای انجام کارهای خود در رابطه با نهادها دست به فساد می‌زنند و خود نیز

1- fairness
2- solidarity

در رابطه با نهادها دچار تبعیض می‌شوند، دیگر چندان احساس امنیت نمی‌کند و در نتیجه اعتماد او به سایر شهروندان کاهش می‌یابد. عکس این حالت نیز می‌تواند درست باشد. به این معنی که وقتی فرد، عملکرد نهادها را عادلانه می‌داند و فساد را در جامعه زیاد تلقی نمی‌کند و در رابطه با نهادها تبعیضی بر او روا نمی‌رود، بیشتر احساس امنیت کرده و اعتماد او به سایر شهروندان بیشتر می‌شود. همچنین متغیرهای نگرش به وفای به عهد، نگرش به حقیقت‌گویی، نگرش به انصاف و نگرش به همبستگی که از نظریه‌ی اوفه اخذ شده است نیز در مدل گنجانده شده‌اند.



نمودار ۱: مدل نظری تحقیق

۲-۳- فرضیه‌های تحقیق

- ۱- نگرش شهروندان به فساد اداری بر اعتماد اجتماعی تأثیر معناداری دارد.
- ۲- اعتماد نهادی شهروندان بر اعتماد اجتماعی تأثیر معناداری دارد.
- ۳- احساس امنیت اجتماعی شهروندان بر اعتماد اجتماعی تأثیر معناداری دارد.
- ۴- نگرش شهروندان به تجربه تبعیض در ادارات بر اعتماد اجتماعی تأثیر معناداری دارد.
- ۵- نگرش شهروندان به وفای به عهد نهادها و اعتماد اجتماعی تأثیر معناداری دارد.
- ۶- نگرش شهروندان به حقیقت‌گویی نهادها بر اعتماد اجتماعی تأثیر معناداری دارد.
- ۷- نگرش شهروندان به انصاف نهادها بر اعتماد اجتماعی تأثیر معناداری دارد.
- ۸- نگرش شهروندان به همبستگی نهادها بر اعتماد اجتماعی تأثیر معناداری دارد.

۳- روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش روش کمی است و تکنیک مورد نظر پیمایش می‌باشد، برای گردآوری داده‌ها از ابزار پرسشنامه محقق ساخته استفاده گردید که برای سنجش گویه‌ها از طیف ۵ گزینه‌ای لیکرت استفاده شده است که شامل گزینه‌های خیلی کم، کم، متوسط، زیاد و خیلی زیاد است که کمترین نمره (۱) به گزینه خیلی کم و بیشترین نمره (۵) به گزینه خیلی زیاد داده شده است. اعتبار پرسشنامه، اعتبار صوری است که از طریق مشورت اساتید و متخصصان جامعه‌شناسی به عنوان داور تأمین شده است. لازم به ذکر است این تحقیق دارای اعتبار سازه نظری نیز بوده است، چرا که متغیرها از چارچوب نظری استخراج شده‌اند. پایایی گویه‌ها نیز از طریق آزمون آلفای کرونباخ محاسبه شد که بر اساس نتایج این آزمون ضریب آلفای مربوط به همه متغیرهای تحقیق بالای ۰/۷۰ بوده است که در جدول ۱ نشان داده شده است.

جدول ۱: ضرایب آلفای کرونباخ مقیاس‌های تحقیق

مقیاس	تعداد گویه	میزان آلفای کرونباخ
اعتماد اجتماعی	۲۷	۰/۸۶۰
اعتماد نهادی	۲۱	۰/۹۵۰
نگرش به فساد اداری	۸	۰/۷۳۵
احساس امنیت	۵	۰/۸۰۹
تجربه تبعیض	۵	۰/۷۸۴
نگرش به وفای به عهد	۶	۰/۸۵۲
نگرش به حقیقت‌گویی	۵	۰/۹۱۳
نگرش به انصاف	۵	۰/۹۰۸
نگرش به همبستگی	۶	۰/۸۴۳

جامعه‌ی آماری تحقیق حاضر شهروندان ۱۵ تا ۶۵ ساله‌ی ساکن شهر شیراز می‌باشد که مطابق داده‌های مرکز آمار ایران بر اساس سرشماری ۱۳۹۵، جمعیت ۱۵ تا ۶۵ این شهر ۱۲۷۳۳۸۲ نفر بوده است. در این پژوهش هر یک از افراد ۱۵-۶۵ ساله‌ی ساکن شهر شیراز به‌عنوان واحد تحلیل در نظر گرفته شدند. برای محاسبه حجم نمونه در این تحقیق از فرمول کوکران استفاده شده است که تعداد ۳۸۴ نفر به‌عنوان حجم نمونه انتخاب شدند. شیوه نمونه‌گیری در این پژوهش خوشه‌ای چند مرحله‌ای است. شهر شیراز بر اساس سرشماری سال ۹۵ به ۱۱ منطقه تقسیم شده است که پرسش‌نامه‌ها متناسب با جمعیت هر یک از این مناطق توزیع

گردید. پس از گردآوری داده‌ها، اطلاعات کدگذاری و با استفاده از نرم‌افزار اسپ‌اس‌اس^۱ تحلیل داده‌ها صورت گرفت.

متغیر مستقل این تحقیق متغیرهای عملکرد نهادی از نظریه روستاین و استول و متغیر کیفیت نهادی از نظریه اوفه بوده است. متغیر عملکرد نهادی شامل چهار بعد احساس امنیت اجتماعی، نگرش به فساد اداری، اعتماد نهادی و تجربه تبعیض است و متغیر کیفیت نهادی شامل ابعاد نگرش به وفای به عهد، نگرش به حقیقت‌گویی، نگرش به انصاف و نگرش به همبستگی نهادها می‌باشد که تعریف هر یک از آن‌ها به قرار زیر است.

اعتماد نهادی: این نوع از اعتماد از انتزاعی‌ترین اعتمادهاست چراکه اعتماد به سازمان‌هایی را شامل می‌شود که دارای ساختاری خاص هستند و بر اساس آن ساختار کنش و کنش متقابل را سازمان‌دهی می‌کنند (گیدنز، ۱۳۸۴). نهادهای مورد نظر شامل نهادهایی است که واجد اهمیت بیشتری هستند؛ بیشتر افراد در زندگی خود سروکارشان به آن‌ها می‌افتد؛ و یا تأثیر به‌سزایی در شئون مختلف زندگی اجتماعی، سیاسی، حقوقی و اقتصادی مردم دارند. این نهادها عبارتند از: مدارس، نیروی انتظامی، دادگاه‌ها، اداره برق، اداره آب، اداره مخابرات، اداره آب، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، اداره پست، مجلس شورای اسلامی، مجلس خبرگان رهبری، رادیو و تلویزیون، استانداری و فرمانداری، بانک‌ها، شورای شهر، شهرداری، روزنامه، شورای نگهبان، پلیس راهنمایی و رانندگی و کلانتری.

فساد: فساد رفتاری است که از وظایف رسمی یک نقش اجتماعی به خاطر ملاحظات شخصی، دستاوردهای مادی یا منزلتی، منحرف می‌شود و یا به خاطر اعمال انواع خاصی از نفوذ در جهت منافع شخصی، از قانون تخطی می‌کند. این امر شامل رفتارهایی همچون رشوه‌دهی و پارتی‌بازی (به خاطر رابطه‌ی انتصابی و نه شایسته‌سالاری) و اختلاس و حیف و میل منافع عمومی در جهت اهداف و منافع شخصی می‌شود (اسملسر و بالتس، ۲۰۰۱: ۲۱۲). در این پژوهش، نگرش افراد در مورد میزان فساد موجود در بین سایر شهروندان در رابطه با نهادها، مدنظر است.

تجربه‌ی تبعیض: تبعیض به دو صورت تحقق می‌پذیرد: نخست تبعیضی است که بر اساس قوانین موضوعه اعمال می‌شود. به این معنا که گروهی با تکیه بر قوانین موجود از امتیازاتی ویژه برخوردار می‌شوند. نمونه‌ی خاص این نوع تبعیض، در جامعه‌ی مبتنی بر آپارتاید صورت می‌گیرد. دوم تبعیض اجتماعی است که نه بر اساس قوانین بلکه در عمل صورت می‌گیرد. به این معنا که به ظاهر همه در برابر قانون یکسان هستند اما اساس زندگی مردم چنان است که گروه‌های

محروم، در حاشیه‌ی جامعه متولد می‌شوند، زندگی می‌کنند و حیات خود را به پایان می‌برند. هرچند همه طبق قانون حق دارند از همه‌ی فرصت‌ها برخوردار گردند اما در عمل، امکانات صرفاً برای تعدادی حاصل می‌گردد نه برای همه. تبعیض نوع اول رسمی است و تبعیض نوع دوم غیررسمی و عملی است (ساروخانی، ۱۳۷۰: ۲۰۱). در این تحقیق تبعیض عملی و غیررسمی مدنظر است. به این معنا که آیا فرد در طول زندگی خود در مواجهه با اموری که به نهادهای اجتماعی مربوط است دچار تبعیض شده‌اند.

احساس امنیت اجتماعی: به کیفیت رابطه‌ی بین جامعه و اعضایش اشاره دارد. اصطلاح "اجتماعی" بیانگر این است که امنیت اجتماعی توسط جامعه یا اجتماع به وجود می‌آید. ناامنی‌هایی زیر عنوان "اجتماعی" قرار می‌گیرند که ناشی از مسائل اجتماعی هستند (هامالاینن^۱، ۲۰۰۴/ ۲۰۰۵ به نقل از عنایت، موحد و حیدری، ۱۳۹۱: ۸)، در کل، امنیت اجتماعی یعنی عدم تهدید نسبت به حقوق افراد، اعم از حقوق فردی و اجتماعی.

وفای به عهد: منظور از وفای به عهد، احساس مسئولیت مقامات سازمان‌های دولتی در قبال شهروندان می‌باشد (منوریان و همکاران، ۱۳۸۸). در این تحقیق نگرش یا ادراک افراد به وفای به عهد مقامات در سازمان‌های دولتی مدنظر است.

حقیقت‌گویی: درجه باور مردم به صداقت و درست کاری و انجام صحیح امور محول شده به وسیله دولت و مقامات دولتی را نشان می‌دهد (منوریان و همکاران، ۱۳۸۸: ۲۵۸) و همچنین اطلاع‌رسانی صادقانه و عدم مخفی کاری مسئولان نسبت به مردم می‌باشد.

انصاف: انصاف دلالت بر نگرش شهروندان به رعایت مساوات و مورد احترام قرار گرفتن آن‌ها در مواجهه با مسئولان و سازمان‌های دولتی دارد.

همبستگی: منظور نگرش شهروندان به میزان هماهنگی کارکنان، قوانین و بخش‌های مختلف سازمان‌ها و نهادها و میزان کنترل و نظارت بر این‌ها می‌باشد.

متغیر وابسته تحقیق اعتماد اجتماعی می‌باشد در مورد اعتماد اجتماعی آن را در حیطه اعتماد به غریبه‌ها مورد سنجش قرار می‌دهیم. این غریبه‌ها می‌توانند همشهریان، هم‌وطنان، صاحبان مشاغل و اصناف و اشغال‌کنندگان نقش‌های مختلف در جامعه باشند که با پاسخگو سابقه‌ی آشنایی ندارند. از این‌رو اعتماد به صاحبان مشاغل، اصناف و به‌طور کلی نقش‌های اجتماعی که اغلب مردم با آن‌ها سروکار دارند، مورد سنجش قرار گرفت. علاوه بر این گویه‌های دیگری نیز برای سنجش اعتماد تعمیم‌یافته طراحی شده است. این گویه‌ها که بیان‌گر ابعاد

وفاداری به قول، احتیاط، صداقت و صراحت و باز بودن است. اعتماد اجتماعی: عبارت است از تمایل فرد به قبول ریسک در یک موقعیت اجتماعی که این تمایل بر حس اطمینان بر این نکته مبتنی است که دیگران به گونه‌ای که انتظار دارد عمل کرده‌اند و شیوه‌ی حمایت‌کننده‌ای در پیش خواهند گرفت (پناهی و دهقانی، ۱۳۹۱: ۱۰).

۴- یافته‌های پژوهش

۴-۱- یافته‌های توصیفی

یافته‌های توصیفی تحقیق نشان می‌دهد از ۳۸۴ نفر پاسخگو ۴۶/۱ درصد را مردان و ۵۳/۹ درصد از پاسخگویان را زنان تشکیل داده‌اند که ۴۳/۵ درصد مجرد، ۵۰/۸ درصد متأهل و ۵/۷ درصد بدون همسر (به دلیل فوت یا طلاق) بوده‌اند. پاسخگویان که به‌طور میانگین ۳۳/۰۸ سال سن داشته‌اند اکثراً خود را عضو طبقه اقتصادی- اجتماعی متوسط (۶۴/۱ درصد) می‌دانستند. محل تولد ۸۷/۲ درصد از افراد شهر بوده و اکثر پاسخگویان (۸۴/۶ درصد) فارس زبان بوده‌اند. میزان تحصیلات اکثر پاسخگویان (۴۰/۴ درصد) لیسانس بوده است. بیشتر افراد دارای شغل آزاد و تنها ۱/۸ درصد افراد بیکار بوده‌اند.

۴-۲- یافته‌های استنباطی

۴-۲-۱- آزمون همبستگی

نتایج جدول ۱ همبستگی بین متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۱: آزمون همبستگی متغیرهای مستقل و وابسته تحقیق

متغیر	متغیر وابسته	مقدار همبستگی پیرسون	سطح معنی داری
اعتماد نهادی	اعتماد اجتماعی	۰/۶۴**	۰/۰۰۰
نگرش به فساد اداری	اعتماد اجتماعی	-۰/۴۹**	۰/۰۰۰
احساس امنیت	اعتماد اجتماعی	۰/۴۰**	۰/۰۰۰
تجربه تبعیض	اعتماد اجتماعی	-۰/۲۹**	۰/۰۰۰
نگرش به وفای به عهد	اعتماد اجتماعی	۰/۴۴**	۰/۰۰۰
نگرش به حقیقت‌گویی	اعتماد اجتماعی	۰/۴۶**	۰/۰۰۰
نگرش به انصاف	اعتماد اجتماعی	۰/۳۹**	۰/۰۰۰
نگرش به همبستگی	اعتماد اجتماعی	۰/۴۹**	۰/۰۰۰

داده‌های جدول حاکی از آن است که بین متغیرهای احساس امنیت، اعتماد نهادی، نگرش به وفای به عهد، نگرش به حقیقت‌گویی، نگرش به انصاف و نگرش به همبستگی با متغیر وابسته تحقیق رابطه مثبت و معناداری وجود دارد به این معنا که هر چه میزان نگرش به متغیرهای ذکر شده بالاتر باشد اعتماد اجتماعی نیز افزایش می‌یابد همچنین بین متغیرهای نگرش به فساد و تجربه تبعیض با متغیر وابسته اعتماد اجتماعی رابطه معکوس و منفی وجود دارد به این معنا که هر چه میزان نگرش به فساد و تجربه تبعیض کاهش یابد اعتماد اجتماعی افزایش می‌یابد. بنابراین می‌توان گفت شرایط حاصل از عملکرد نهادی و کیفیت نهادی زمینه را برای اعتماد اجتماعی در جامعه افزایش می‌یابد.

۴-۲-۲- تحلیل رگرسیون

جدول ۲ رگرسیون چند متغیره اعتماد اجتماعی با روش ورود هم‌زمان را نشان می‌دهد. همان‌طور که در جدول مشاهده می‌شود، نتایج حاکی از آن است که متغیرهای تحقیق توانسته‌اند، ۵۴ درصد از واریانس متغیر اعتماد اجتماعی که در این تحقیق متغیر وابسته است را پیش‌بینی کند. برای ارزیابی معناداری این نتیجه به جدول آنوا^۱ مراجعه شد. در این تحقیق همان‌گونه که از خروجی‌ها نمایان است مقدار $F(۵۶/۴۶)$ در سطح خطای کمتر از ۰/۰۱ معنادار است و می‌توان گفت فرض صفر مبنی بر اینکه R چندگانه در جامعه برابر با صفر است رد می‌شود. حال برای مشخص شدن معناداری تک‌تک متغیرها باید در جدول ضرایب به معناداری مقدار t نگاه کرد. بر این اساس نتایج نشان می‌دهد متغیر حقیقت‌گویی دارای تأثیر معناداری نیست. در مرحله آخر برای شناسایی مهم‌ترین متغیرهای مؤثر بر اعتماد اجتماعی به ضرایب استاندارد شده بتا^۲ نگاه می‌شود. نتایج این بخش نشان می‌دهد که در ازای هر واحد اضافه شدن انحراف استاندارد متغیر اعتماد نهادی، به متغیر اعتماد اجتماعی به میزان ۰/۴۵۵ انحراف استاندارد افزوده خواهد شد و بنابراین متغیر اعتماد نهادی مهم‌ترین متغیر مؤثر بر اعتماد اجتماعی بوده است. متغیر احساس امنیت با ۰/۲۴۴، نگرش به فساد اداری با ۰/۲۱۴-، نگرش به همبستگی با ۰/۱۷۰، نگرش به وفای به عهد با ۰/۱۶۶، نگرش به انصاف با ۰/۱۲۷، تجربه تبعیض با ۰/۱۱۳- ضریب رگرسیونی استاندارد شده در رده‌های بعد قرار دارند.

1 - ANOVA

2 - Beta

جدول ۲: نتایج رگرسیون چند متغیره اعتماد اجتماعی با روش ورود همزمان^۱

آزمون هم خطی		آزمون T		ضرایب رگرسیونی		متغیر
VIF	Tolerance	Sig	T	Beta	B	
		۰/۰۰۰	۸/۸۱۰		۲۰/۸۰۵	مقدار ثابت
۱/۶۰۱	۰/۶۲۵	۰/۰۰۰	۱۰/۳۴۵	۰/۴۵۵	۰/۳۶۹	اعتماد نهادی
۱/۴۸۸	۰/۶۷۲	۰/۰۰۰	-۵/۰۳۸	-۰/۲۱۴	-۰/۵۶۱	نگرش به فساد اداری
۱/۲۹۷	۰/۷۷۱	۰/۰۰۵	-۲/۸۴۳	-۰/۱۱۳	-۰/۳۶۵	تجربه تبعیض
۱/۱۷۷	۰/۸۵۰	۰/۰۰۰	۶/۴۷۴	۰/۲۴۴	۰/۷۶۴	احساس امنیت
۳/۰۹۰	۰/۳۲۴	۰/۰۴۱	۲/۰۸۰	۰/۱۶۶	۰/۱۹۵	نگرش به وفای به عهد
۳/۹۵۴	۰/۲۵۳	۰/۸۷۱	۰/۱۶۲	۰/۰۱۱	۰/۰۳۶	نگرش به حقیقت‌گویی
۲/۸۶۷	۰/۳۴۹	۰/۰۳۱	۲/۱۶۱	۰/۱۲۷	۰/۳۹۲	نگرش به انصاف
۲/۸۲۵	۰/۳۵۴	۰/۰۰۸	۲/۱۱۸	۰/۱۷۰	۰/۱۸۹	نگرش به همبستگی
		مجذور R تعدیل شده		مجذور R	R	خلاصه مدل
		۰/۵۳۷		۰/۵۴۶	۰/۷۳۹	
		دوربین واتسون		Sig	F	ANOVA
		۱/۷۰		۰/۰۰۰	۵۶/۴۶	

در پژوهش حاضر فرضیه‌های آزمون شده بر اساس نظریات نهادی روشتاین و استول و نظریه‌ی نهادی اوفه تدوین شده است که شامل هشت فرضیه می‌باشد. اکنون با توجه به نتایج حاصل از تحلیل رگرسیون به تحلیل آن‌ها می‌پردازیم. هر یک از فرضیات فرعی در این تحقیق بیانگر تأثیر یکی از ابعاد متغیرهای کیفیت و عملکرد نهادی بر اعتماد اجتماعی است. فرضیه اول در این تحقیق مدعی است که نگرش به فساد اداری بر اعتماد اجتماعی افراد مؤثر است که این متغیر با ضریب تأثیر (-۰/۲۱۴) و همچنین t بالاتر از ۱/۹۶ معنی‌دار است و این فرض مورد تأیید قرار گرفته است. نتیجه پژوهش حاضر در مورد این فرضیه با تحقیق منصوریان و قدرتی (۱۳۸۸)، شارع پور، فاضلی و اقراریان (۱۳۹۱)، شارع پور، فاضلی و اقراریان (۱۳۹۲)، روشتاین و اوسلینر (۲۰۰۴)، و استول (۲۰۰۸)، ریچی (۲۰۰۹)، روشتاین (۲۰۱۰)، رابینز (۲۰۱۲)، نانستاد و همکاران (۲۰۱۴)، ساندرسکا و دنیسن (۲۰۱۶) همسویی دارد. رفتار فاسد، دور باطلی را بین ادراک فساد، سطح پایین اعتماد و استمرار فساد ایجاد می‌کند یعنی نهادهای

فاسد، هزینه توافقی‌های فاسد را کاهش می‌دهند اما نهادهای کارآمد نقش بازدارندگی در ارتکاب فساد دارند. برآیند چنین وضعی، جان کلام روئستاین است که اگر نهادهای عمومی فاسد سبب شوند مردم زندگی را برحساب فساد تعریف کنند، امکان رشد اعتماد اجتماعی در جامعه وجود نخواهد داشت.

فرضیه دوم پژوهش بیان می‌دارد که اعتماد نهادی بر اعتماد اجتماعی شهروندان مؤثر است. این فرضیه در پژوهش حاضر تأیید شده است که نتیجه رگرسیون چند متغیره در مورد این فرضیه مطابق انتظارات نظری بوده است. نتیجه پژوهش حاضر در مورد این فرضیه همسو با تحقیقات شارع پور (۱۳۸۸)، منصوریان و قدرتی (۱۳۸۸)، شارع پور، رازقی و غلامزاده (۱۳۸۹)، شارع پور، فاضلی و اقراریان (۱۳۹۱)، روئستاین و اوسلینر (۲۰۰۴)، روئستاین و استول (۲۰۰۸) می‌باشد. این فرضیه در واقع آزمون تجربی این استدلال روئستاین است که اعتماد اجتماعی از بالا تولید می‌شود یعنی نوع خاصی از نهادهای حکومتی، تولید کننده اعتمادند. از نظر روئستاین و استول اگر نهادها اعتماد‌کردنی نباشند، به مردم نیز اعتماد نمی‌شود. به عبارتی، بی‌اعتمادی عمودی در سطح افقی تأثیرگذار است. در نظر روئستاین نهادها امکان محاسبه را برای افراد فراهم می‌کنند. افراد با مشاهده رشوه، نمی‌خواهند و قادر نیستند تنها در نقش کنشگر ساده لوح/ سالم باشند، بلکه در نقش کنشگر عقلانی محاسبه می‌کنند و وارد کنش فاسد می‌شوند. به علاوه، نهادهای ناکارآمد با تبعیض و بی‌عدالتی، بر اعتماد اجتماعی افراد تأثیر منفی می‌گذارند (روئستاین، ۲۰۰۸).

در تحقیق حاضر مطابق به یافته‌های روئستاین، بین متغیر اعتماد نهادی و اعتماد اجتماعی رابطه مشاهده گردید. اما برخلاف نتیجه پژوهش روئستاین این رابطه قوی است. در آزمون تک متغیره ضریب همبستگی پیرسون ۰/۶۴ و در آزمون رگرسیون چند متغیره عملکرد نهادی ضریب بتا برابر ۰/۴۷ است.

فرضیه سوم پژوهش بیان می‌دارد اعتماد اجتماعی تابعی از احساس امنیت اجتماعی شهروندان است. نتیجه مدل رگرسیون چند متغیره پژوهش حاضر موید این فرضیه بوده است. نتیجه به‌دست‌آمده در مورد این فرضیه همان‌طور که نظریه‌پردازان نهادی بیان می‌کردند مورد تأیید قرار گرفت که مطابق با انتظارات نظری است. نتیجه پژوهش حاضر در مورد این فرضیه همسو با تحقیقات منصوریان و قدرتی (۱۳۸۸)، معیدفر و جهانگیری (۱۳۸۸)، یاری و هزارجریبی (۱۳۹۱)، شارع پور، فاضلی و اقراریان (۱۳۹۱)، روئستاین و استول (۲۰۰۸)، رابینز (۲۰۱۲) می‌باشد.

لوهمن امنیت را به دو حوزه آشنا و ناآشنا تقسیم می‌کند. دنیای آشنا حیطه هنجارها و عادت‌هایی است که برای حفظ انسجام و تعیین سیستم اجتماعی کافی به نظر می‌رسد، لیکن در جهان مدرن که لوهمن بیشتر حوزه‌های آن را در ذیل دنیای ناآشنا طبقه‌بندی می‌کند، این هنجارها دیگر هیچ کارکردی نخواهند داشت و همین امر سبب‌ساز احساس ناامنی فرد در این حوزه است. از دید لوهمن تا زمانی که فرد در حوزه آشنا زندگی می‌کند، احساس ناامنی نمی‌کند (این به این معنی نیست که در این حوزه ناامنی وجود ندارد). احساس ناامنی زمانی به جود می‌آید که فرد پا به دنیای ناآشنا می‌گذارد. وی تنها راه‌حل ایجاد احساس امنیت در حوزه ناآشنا را اعتماد به سیستم‌های انتزاعی می‌داند (جالاوا، ۲۰۰۳: ۳).

فرضیه چهارم پژوهش بیان می‌دارد که نگرش به تجربه تبعیض بر اعتماد اجتماعی مؤثر است. نتیجه به‌دست‌آمده در مورد این فرضیه همان‌طور که نظریه نهادی بیان می‌داشت مورد تأیید قرار گرفت. این متغیر تأثیر منفی بر اعتماد اجتماعی می‌گذارد. نتیجه پژوهش حاضر در مورد این فرض همسو با تحقیقات منصوریان و قدرتی (۱۳۸۸)، شارع پور، فاضلی و اقراریان (۱۳۹۱)، روئستاین و اوسلینر (۲۰۰۴)، روئستاین و استول (۲۰۰۸)، ریچی (۲۰۰۹)، روئستاین (۲۰۱۰)، رابینز (۲۰۱۲)، نانستاد و همکاران (۲۰۱۴) می‌باشد. به نظر اوسلینر وقتی نابرابری بالاست، فقرا احساس بی‌قدرتی کرده و فکر می‌کنند که دیدگاه‌های آن‌ها در حوزه سیاسی انعکاسی ندارد و از مشارکت مدنی کناره‌گیری می‌کنند، به‌علاوه اعتماد به دیگران بر مبنای برابری اقتصادی قرار دارد، هنگامی که منابع نابرابر توزیع شود، افراد بالا و پایین هرم خود را دارای سرنوشت مشترکی نمی‌دانند و دلیل کمتری برای اعتماد با افراد با زمینه‌های متفاوت از خود دارند. همچنین وقتی نابرابری بالاست خوش‌بینی به آینده و احساس تسلط بر سرنوشت خود، کاهش می‌یابد و از این طریق اعتماد به دیگران را خدشه‌دار می‌سازد (اوسلینر و براون، ۲۰۰۵: ۸۶۹).

فرضیه پنجم پژوهش بیان می‌دارد که نگرش به وفای به عهد در نهادها بر اعتماد اجتماعی مؤثر است. نتیجه به‌دست‌آمده در مورد این فرضیه نیز مورد تأیید قرار گرفت. بنابراین هرچه نگرش به وفای به عهد در نهادها بیشتر باشد اعتماد اجتماعی نیز افزایش می‌یابد. این فرض از پژوهش مطابق یافته‌های رابینز (۲۰۱۲) می‌باشد. در اینجا می‌توان گفت که نهادها موجد کارگزاران پایبند به وفای به عهد هستند. بیشتر عهدها را می‌توان به کمک نظام قضایی، دارای ضمانت اجرایی کرد.

فرضیه ششم پژوهش بیانگر این است که نگرش شهروندان به حقیقت‌گویی در نهادها بر اعتماد اجتماعی مؤثر است که این فرض مورد تأیید قرار نگرفت. این نتیجه برخلاف یافته‌های رابینز (۲۰۱۲) می‌باشد. بنابراین تا زمانی که احساس کنیم کنشگران در الگوهای نهادی که به

تحمیل حقیقت می‌پردازند قرار دارند، آموزش می‌بینند و محدود می‌شوند، احتمال اعتماد به آن‌ها بیشتر است.

فرضیه هفتم پژوهش بیانگر این است که نگرش شهروندان به انصاف در نهادها بر اعتماد اجتماعی مؤثر است. نتیجه به‌دست‌آمده از این فرضیه همان‌طور که نظریه اوفه بیان می‌داشت مورد تأیید قرار گرفت. بنابراین هرچه نگرش شهروندان به انصاف نهادی بیشتر باشد اعتماد اجتماعی نیز افزایش می‌یابد.

نهادهایی که عملکردی منصفانه و بی‌طرفانه دارند به تعمیم اعتماد، کمک می‌کنند. برابری در مقابل قانون و مساوات در مشارکت سیاسی نمونه‌ی انصاف است. نهادها نباید دارای ترجیحات و پیش‌داوری درونی نسبت به شهروندان باشند و باید نسبت به تفاوت‌های افراد، بی‌طرفی خود را حفظ کنند. رژیم نهادی که با این تفاوت (دست‌کم تفاوت‌هایی که خارج از انتخاب آزادانه‌ی افراد است و ساختار بر آن‌ها تحمیل کرده است) ارتباط فعالانه‌ای برقرار می‌کند و نوید جبران آن‌ها را می‌دهد نیز می‌تواند به افزایش اعتماد، منجر شود.

فرضیه هشتم پژوهش بیان می‌دارد که نگرش به همبستگی نهادها بر اعتماد اجتماعی آن‌ها مؤثر است که نتیجه به‌دست‌آمده در مورد این فرضیه نیز مورد تأیید قرار گرفت. بنابراین هرچه نگرش به همبستگی نهادی بیشتر باشد اعتماد اجتماعی افزایش می‌یابد. حقوق اجتماعی که دسترسی یکسان به فرصت‌های زندگی را از طریق توزیع مجدد و حمایت‌گزینشی میسر می‌سازد، سنگ بنای پتانسیل اعتمادآفرین همبستگی است.

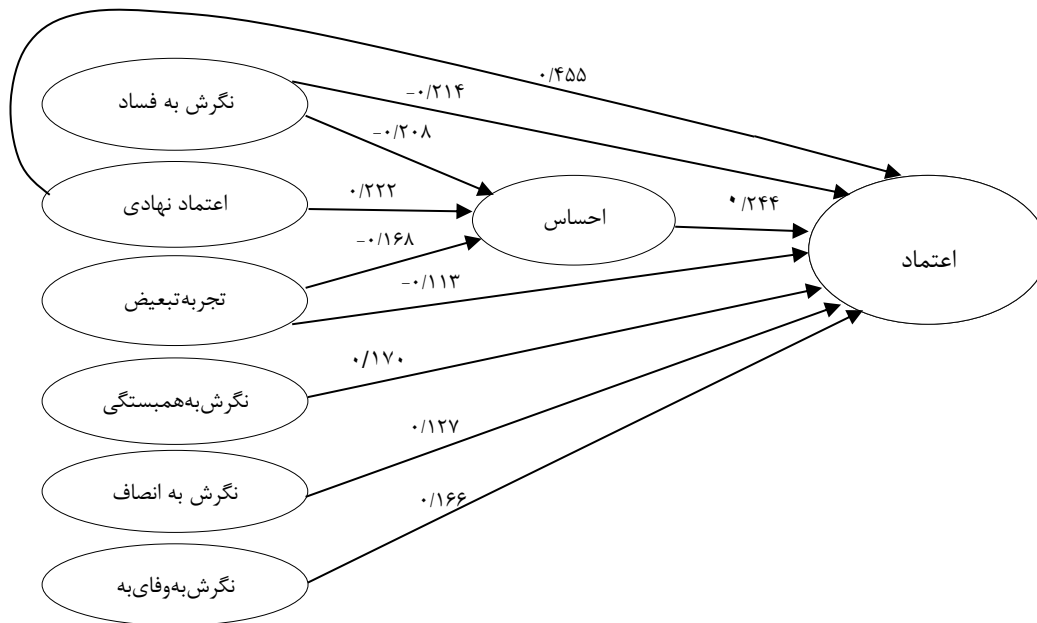
۴-۲-۳- تحلیل مسیر

با استفاده از رگرسیون خطی چند متغیره، تأثیرات مستقیم متغیرهای مستقل بر متغیر وابسته مورد ارزیابی قرار گرفت، اما جهت سنجش میزان تأثیرات غیرمستقیم و همچنین مستقیم و ارزیابی مجدد میزان تأثیرگذاری متغیرهای مستقل بر روی اعتماد اجتماعی، از تحلیل مسیر استفاده می‌شود. ضرایب بتای محاسبه شده در رگرسیون چند متغیره بر روی نمودار ۲ قابل مشاهده می‌باشد.

جدول ۳ ضرایب رگرسیون چند متغیره احساس امنیت را نشان می‌دهد، نتایج این جدول نشان می‌دهد که در ازای هر واحد اضافه شدن انحراف استاندارد متغیر اعتماد نهادی، به متغیر احساس امنیت به میزان ۰/۲۲۲ انحراف استاندارد افزوده خواهد شد و بنابراین متغیر اعتماد نهادی مهم‌ترین متغیر مؤثر بر احساس امنیت بوده است و متغیرهای نگرش به فساد اداری و تجربه تبعیض در رده‌های بعد قرار دارند.

جدول ۳: ضرایب رگرسیون چند متغیره احساس امنیت با روش ورود همزمان

متغیر	ضرایب رگرسیونی		آزمون T	
	B	Beta	T	Sig
مقدار ثابت	۹/۷۱۴		۱۰/۷۲۷	۰/۰۰۰
اعتماد نهادی	۰/۰۵۷	۰/۲۲۲	۴/۲۲۳	۰/۰۰۰
نگرش به فساد اداری	-۰/۱۷۴	-۰/۲۰۸	-۳/۷۷۶	۰/۰۰۰
تجربه تبعیض	-۰/۱۷۴	-۰/۱۶۸	-۳/۲۱۳	۰/۰۰۱



نمودار ۲: مدل تحلیل مسیر متغیرهای پژوهش

نمودار ۲ تأثیر مستقیم و غیرمستقیم نهایی متغیرهای مستقل را بر متغیر وابسته به نمایش می‌گذارد. در زیر به بررسی و تفسیر این مدل می‌پردازیم.

الف) متغیرهایی که تنها به صورت مستقیم بر متغیر اعتماد اجتماعی تأثیر گذاشته‌اند: از میان هفت متغیر: نگرش به فساد اداری، اعتماد نهادی، تجربه تبعیض، احساس امنیت، نگرش به همبستگی، نگرش به انصاف و نگرش به وفای به عهد در سنجش میزان اعتماد اجتماعی،

بیشترین تأثیر را به صورت مستقیم، متغیر اعتماد نهادی با ضریب مسیر ۰/۴۵۵ دارد. پس از آن متغیر احساس امنیت با ضریب مسیر ۰/۲۴۴، متغیر نگرش به فساد اداری با ضریب مسیر ۰/۲۱۴، متغیر همبستگی با ضریب مسیر ۰/۱۷۰، متغیر نگرش به وفای به عهد با ضریب مسیر ۰/۱۶۶، متغیر نگرش به انصاف با ضریب مسیر ۰/۱۲۷، و کم‌ترین تأثیر متغیر تجربه تبعیض با ضریب مسیر ۰/۱۱۳ - می‌باشد.

ب) متغیرهایی که هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم بر متغیر وابسته اعتماد اجتماعی اجتماعی تأثیر گذاشته‌اند: در بین هفت متغیر مستقل تحقیق سه متغیر: نگرش به فساد اداری، تجربه تبعیض و اعتماد نهادی علاوه بر تأثیر مستقیم به صورت غیرمستقیم و از طریق تأثیرگذاری بر متغیر مستقل احساس امنیت بر اعتماد اجتماعی تأثیر گذاشته‌اند.

جدول ۴ که نشان‌دهنده تأثیرات مستقیم و غیرمستقیم و تأثیر کل متغیرهای الگوی تحلیلی تحقیق می‌باشد، مبین این است که مهم‌ترین پیش‌بینی‌کننده‌های تغییرات متغیر اعتماد اجتماعی، که جمعاً بیشترین میزان تأثیرگذاری را به صورت مستقیم و غیرمستقیم دارند به ترتیب به متغیرهای اعتماد نهادی (۰/۵۰۹)، نگرش به فساد اداری (۰/۲۶۴-)، احساس امنیت (۰/۲۴۴) و نگرش به همبستگی (۰/۱۷۰)، اختصاص دارد. درنهایت باید گفت که الگوی تحلیلی این تحقیق می‌تواند ۵۴ درصد از تغییرات میزان اعتماد اجتماعی را تبیین کند و باقی مانده آن را متغیرهای دیگری تبیین می‌کنند که خارج از حیطه بررسی این تحقیق است.

جدول ۴: اثرات مستقیم و غیرمستقیم متغیرهای مستقل بر اعتماد اجتماعی

متغیر	اثرات مستقیم	اثرات غیرمستقیم	اثر کل
نگرش به فساد اداری	-۰/۲۱۴	-۰/۰۵۰	-۰/۲۶۴
اعتماد نهادی	۰/۴۵۵	۰/۰۵۴	۰/۵۰۹
تجربه تبعیض	-۰/۱۱۳	-۰/۰۴۰	-۰/۱۵۳
احساس امنیت	۰/۲۴۴	-	۰/۲۴۴
نگرش به همبستگی	۰/۱۷۰	-	۰/۱۷۰
نگرش به انصاف	۰/۱۲۷	-	۰/۱۲۷
نگرش به وفای به عهد	۰/۱۶۶	-	۰/۱۶۶

۵- بحث و نتیجه‌گیری

یکی از عوامل و مؤلفه‌های مهم انسجام در هر جامعه‌ای، وجود اعتماد در بین افراد آن جامعه است. اعتماد در همه سطوح جامعه و انواع تعاملات اجتماعی از ابتدایی‌ترین روابط و سطح اجتماعی مانند روابط خانوادگی بین پدر و مادر با فرزندان تا گسترده و پهن دامنه‌ترین نوع

تعاملات و روابط سطح جامعه‌ای مانند تعامل حاکمان با مردم و یا افراد نوعی با یکدیگر، از ضروری‌ترین و بنیادی‌ترین پیش‌نیازهای زندگی مدرن محسوب می‌شود. هدف از این پژوهش بررسی تأثیر نگرش به کیفیت و عملکرد نهادهای دولتی بر اعتماد اجتماعی می‌باشد. بدین منظور تعدادی از مطالعات انجام شده داخلی و خارجی و نظریه‌های مرتبط با موضوع اعتماد اجتماعی، مورد مطالعه قرار گرفت. چنان‌که گفتیم در تحقیق حاضر به آزمون دو نظریه نهادی روئستاین و استول و نظریه‌ی نهادی اوفه در جامعه مورد مطالعه پرداختیم.

نتایج تحلیل رگرسیون حاکی از تأثیر نظریه عملکرد نهادی و کیفیت نهادی بر اعتماد اجتماعی است. یافته‌های پژوهش حاضر مطابق با یافته‌های شارع پور (۱۳۸۸)، منصوریان و قدرتی (۱۳۸۸)، شارع پور، فاضلی و اقراریان (۱۳۹۲)، روئستاین و اوسلینر (۲۰۰۴)، روئستاین و استول (۲۰۰۸)، هیرس^۱ و کریدو^۲ (۲۰۰۸)، ریچی (۲۰۰۹)، روئستاین (۲۰۱۰)، رابینز (۲۰۱۲)، نانستاد و همکاران (۲۰۱۴)، ساندرسکا و دنیسن (۲۰۱۶) می‌باشد. در این تحقیقات نیز نگرش به عملکرد نهادها عاملی بود که بر اعتماد افراد تأثیرگذار بود. نتایج تحلیل مسیر نشان می‌دهد از میان هفت متغیر: نگرش به فساد اداری، اعتماد نهادی، تجربه تبعیض، احساس امنیت، نگرش به وفای به عهد، نگرش به همبستگی و نگرش به انصاف در سنجش میزان اعتماد اجتماعی، بیشترین تأثیر را به صورت مستقیم، متغیر احساس امنیت دارد. پس از آن متغیر نگرش به فساد اداری، متغیر اعتماد نهادی، تجربه تبعیض، نگرش به انصاف و متغیر نگرش به حقیقت‌گویی قرار دارد و کم‌ترین تأثیر مربوط به متغیر نگرش به وفای به عهد می‌باشند. متغیرهایی که هم به صورت مستقیم و هم به صورت غیرمستقیم بر متغیر وابسته اعتماد اجتماعی تأثیر گذاشته‌اند: در بین ۸ متغیر مستقل تحقیق ۳ متغیر نگرش به فساد اداری، تجربه تبعیض و اعتماد نهادی علاوه بر تأثیر مستقیم به صورت غیرمستقیم و از طریق تأثیرگذاری متغیر مستقل احساس امنیت بر اعتماد اجتماعی تأثیر گذاشته‌اند. یافته‌های پژوهش حاضر نشان داد که متغیرهای استخراج شده از رهیافت نهادی به‌خوبی (۵۴ درصد) واریانس متغیر وابسته اعتماد اجتماعی را تبیین می‌کنند.

تأکید اصلی نظریه نهادی بر حذف عوامل تخریب‌گر و فرساینده اعتماد (فساد، تبعیض، ناامنی، بی‌اعتمادی نهادی، نبود وفای به عهد، حقیقت‌گویی، همبستگی، و انصاف در نهادها) است. ریشه‌های انسان‌شناسانه‌ی فلسفی دیدگاه نهادی، در نظریه‌ی توماس هابز قرار دارد که در آن،

1- Herreros

2- Criado

دولت مقتدر و تضمین کننده‌ی قراردادهای، موجد نظم و اعتماد در بین شهروندانی است که پتانسیل آن را دارند که در شرایط غلبه‌ی وضعیت طبیعی، همدیگر را همچون گرگ بدرند. به نظر هابز این شرایط، «پیامد ضروری امیال طبیعی آدمیان در زمانی است که قدرتی مشخص و مشهود وجود نداشته باشد تا ایشان را در حال ترس و بیم نگه دارد و به موجب ترس از مجازات، نسبت به اجرای پیمان‌های خویش و ...» ملزم و متعهد کند. به نظر هاردین اعتماد یک رابطه‌ی سه قسمتی است: اعتماد کننده، اعتماد شونده و موضوع اعتماد (هاردین، ۲۰۰۶: ۳). موضوع اعتماد در شرایطی که نظم نهادی کارآمد وجود ندارد بسیار حساس‌تر از موضوع اعتماد در شرایط نسبتاً باثبات است. به‌عنوان مثال در حالت اول، فرد نگران آن است که شهروندان دیگر، بدون ترس از پیگیری قانون، زمین ملکی او را تصاحب کنند اما در حالت دوم دغدغه او این است که اگر در غیبت همکار خود از اداره، کارهای او را انجام ندهد، او نیز بعداً جبران خواهد کرد. اشتومکا معتقد است، قابلیت اعتماد را نمی‌توان به صورت مستقیم از طریق سیاست‌ها به وجود آورد اما به‌طور غیرمستقیم باید مردم و نهادها را پاسخگو کرد و هزینه‌های خیانت به اعتماد را افزایش داد. از این‌رو به اعتقاد اشتومکا بهترین سیاست، ایجاد دموکراسی و تضمین کارکرد عملی آن است. دموکراسی از دو سو بر اعتماد اثر می‌گذارد: از طرف اعتماد شونده‌ها که موجب افزایش پاسخگویی آن‌ها و علاقه‌ی آن‌ها به مورد اعتماد واقع شدن می‌گردد و از طرف اعتماد کننده‌ها، با فراهم کردن تضمینی در برابر خیانت به اعتمادشان و بنابراین افزایش آمادگی خطرپذیری آن‌ها جهت اعتماد.

بنابراین از نظر اشتومکا نهادهای دموکراتیک «اثرات دوگانه‌ی» آموزنده‌ای در رابطه با اعتماد دارند (اشتومکا، ۱۹۹۸: ۲۵-۲۴) در شرایطی که نظم نهادی دموکراتیک و کارآمدی وجود نداشته باشد، کنشگران از این وضعیت آگاه‌اند و جهت‌گیری تلویحی آن‌ها به این صورت است: «تا وقتی که مدرکی دال بر صداقت دیگران پیدا نکنم، به آن‌ها اعتماد نمی‌کنم» اما در شرایطی که قراردادهای توسط نظم نهادی کارآمد، تضمین می‌شود، جهت‌گیری شهروندان نسبت به سایر افراد جامعه به این صورت است: «تا وقتی مدرکی پیدا نکنم که نشانگر عدم صداقت دیگران باشد، به آن‌ها اعتماد می‌کنم». ماهیت اعتماد تعمیم یافته (به افراد نا آشنا) به‌گونه‌ای است که ساختن و ایجاد آن بسی سخت‌تر از تخریب آن است. به خاطر همین ویژگی، باید عوامل مخرب آن را برطرف کرد. به نظر افه نظام سیاسی که در آن بی‌اعتمادی به آسانی و با بی‌طرفی تأیید یا تکذیب می‌شود (از طریق مطبوعات آزاد، محاکمات علنی، مبارزات احزاب و جنبش‌های مخالف) به دلیل اطمینانی که این شفافیت در شهروندان ایجاد می‌کند، سزاوار اعتماد است. شکست نهادها در تأمین ابعاد

فوق، به پدیده‌های واپس‌گرایانه چون بازگشت به شکل‌های جمعی (قومی، منطقه‌ای) ایجاد اعتماد، منجر می‌شود (تاجبش، ۱۳۸۴: ۲۵۷).

۵-۱- پیشنهادهای مبتنی بر یافته

از آنجا که یکی از مهم‌ترین متغیرهای تأثیرگذار بر اعتماد اجتماعی عام، متغیر احساس امنیت اجتماعی است، به نهادهای تأمین‌کننده امنیت اجتماعی از جمله نیروی انتظامی، پیشنهاد می‌شود که با مدیریت علمی، این مهم را هرچه بیشتر محقق سازند. فراهم کردن امنیت جانی شهروندان، ایجاد محیط فیزیکی امن، استفاده از راه‌کارهای جدید جهت جلوگیری از دست‌درازی به اموال مردم و رعایت احتیاط لازم در حفظ آبرو و حیثیت افراد، می‌تواند احساس امنیت اجتماعی را تقویت کند و از این طریق بر اعتماد شهروندان به هم، کمک نماید. البته نباید تحقق مقوله‌ی امنیت در معنای ذکرشده را فقط محدود به نیروی انتظامی کرد. نیروی انتظامی و دادگاه‌ها، فقط سازوکارهای کنترل بیرونی جامعه‌پذیری را بر عهده دارند. باید نهادهایی که مسئولیت درونی کردن ارزش‌ها را در افراد بر عهده دارند، کارکرد مناسبی داشته باشند. متغیر دیگری که تأثیر قابل ملاحظه‌ای بر اعتماد عام دارد، اعتماد نهادی است که در این تحقیق حاصل سنجش اعتماد به ۲۱ نهاد است. پیشنهاد می‌شود همه‌ی نهادها و سازمان‌های جامعه که عمدتاً هم دولتی و وابسته به نظام سیاسی هستند، با مطالعه‌ی دقیق و تخصصی و ارزیابی واقع‌بینانه‌ی فعالیت‌های خود از نگاه مردم، به بهبود هرچه بیشتر عملکرد خود بپردازند. این امر برای نهادهایی که اعتماد مردم به آن‌ها کم‌تر است، ضروری‌تر به نظر می‌رسد.

متغیرهای دیگری که ارتباط وثیقی با اعتماد عام دارد، تجربه‌ی تبعیض در مراجعه به نهادها و نگرش به وجود فساد در شهروندان در رابطه با نهادها، نگرش به وفای به عهد، نگرش به انصاف و نگرش به همبستگی در رابطه با نهادها است. هنگامی که در جامعه، قانون، محور امور نباشد جای آن را ترجیحات دیگر می‌گیرد که جامعه را تا حد فروپاشی می‌تواند پیش ببرد. فساد، پارتی‌بازی و رشوه، مسئله‌ای نیست که صرف موعظه و نصیحت شهروندان، قابل اجتناب باشد. وقتی زمینه‌ی نهادی ساختاری برای فساد مهیا باشد نظارت قانونی بر عملکرد نهادها، پایین باشد؛ توزیع منابع، عادلانه صورت نگیرد؛ و ... نمی‌توان با دعوت مردم به سلامت نفسی، جلو فساد را گرفت. همان‌گونه که ذکر شد باید بر خودخواهی و وجه‌گرگ صفتانه‌ی انسان، مهار محکمی زد و این لگام چیزی جز قانون‌گرایی بر مبنایی دموکراتیک نیست. در غیاب قانون، سلايق افراد جای آن را می‌گیرد و اعمال تبعیضی به راحتی رخ می‌دهد. فوکویاما برای مقابله با بی‌اعتمادی به دولت به سه اقدام، اشاره می‌کند: خصوصی کردن دارایی‌های غیراستراتژیک عمومی، برقراری

دموکراسی، و گشودن دروازه‌های اقتصاد به سمت بازار جهانی. به نظر فوکویاما، در دولتی که بزرگ است، زمینه‌ها و فرصت‌های بروز فساد نیز زیاد است. وجود رقابت سیاسی میان احزاب مختلف، امکان قدرت مطلقه را کاهش می‌دهد و بروز فساد را تحت کنترل درمی‌آورد. گشوده شدن دروازه‌های اقتصاد به سمت بازار جهانی نیز، حمایت از نارسایی‌ها و ناکارآمدی‌ها را غیرممکن می‌سازد.

۵-۲- پیشنهاد برای پژوهش‌های بعدی

یکی از متغیرهایی که تأثیر معنی داری بر اعتماد اجتماعی داشت متغیر احساس امنیت اجتماعی بوده است که این متغیر با پنج گویه سنجیده شد پیشنهاد می‌شود در تحقیقات آینده همه ابعاد متغیر احساس امنیت اعم از امنیت اقتصادی، عمومی، سیاسی و قضایی با متغیر اعتماد اجتماعی سنجیده شود.

منابع

- آزاد ارمکی، تقی و کالی، افسانه (۱۳۸۳). اعتماد، اجتماع و جنسیت: بررسی تطبیقی اعتماد متقابل بین دو جنس. *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۵(۲)، ۱۳۲-۱۰۰.
- ازکیا، مصطفی و حسنی راد، کریم (۱۳۸۸). نقش اعتماد اجتماعی در مشارکت مردم در طرح‌های توسعه روستایی. *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، ۳(۱)، ۲۸-۷.
- پناهی، محمد حسین و دهقانی، حمید (۱۳۹۱). بررسی عوامل مؤثر بر شادی دانشجویان با تأکید بر مشارکت اجتماعی. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۱(۴۷)، ۱۸-۱.
- تاجبخش، کیان (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی: اعتماد، دموکراسی و توسعه*. ترجمه افشین خاکباز و حسن پویان. تهران: نشر شیرازه.
- حضرتی صومعه، زهرا (۱۳۸۹). اعتماد اجتماعی در میان مردم تهران. *مطالعات جامعه‌شناختی ایران*، ۱۱(۱)، ۱۲۴-۱۰۸.
- رفیع پور، فرامرز (۱۳۸۸). *سرطان اجتماعی فساد (چاپ دوم)*. تهران: شرکت سهامی انتشار.
- روستاین، بو (۱۳۹۳). *دام‌های اجتماعی و مسئله اعتماد*. ترجمه‌ی لادن رهبری، محمود شارع پور، محمد فاضلی و سجاد فتاحی. تهران: نشر آگه. (سال اصلی اثر چاپ شده ۲۰۰۵).

- روشنفکر، پیام (۱۳۸۴). سرمایه اجتماعی، مدرنیت و عملکرد نهادی. رشد آموزش علوم اجتماعی، ۹(۲)، ۴۶-۴۱.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۷). اعتماد نظریه جامعه‌شناختی. (سال اصلی اثر چاپ شده ۱۹۹۹). ترجمه غلامرضا غفاری. تهران: نشر شیرازه.
- ساروخانی، باقر (۱۳۸۵). روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی (جلد ۱) (چاپ یازدهم). تهران: انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- سرایی، حسن و صفیری، نسرين (۱۳۸۸). بررسی اعتماد سیاسی دانشجویان مطالعه موردی: دانشگاه امیرکبیر. جامعه‌شناسی معاصر، ۱(۴)، ۹۶-۷۱.
- شارع پور، محمود (۱۳۸۸). بررسی عوامل مؤثر بر اعتماد به نیروهای انتظامی (مطالعه موردی استان مازندران). جامعه‌شناسی کاربردی، ۲۰(۴)، ۱۶-۱.
- شارع پور، محمود؛ رازقی، نادر و غلامزاده، خلیل (۱۳۸۹). بررسی رابطه انواع اعتماد با اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان دانشگاه مازندران. مطالعات اجتماعی ایران، ۵(۱)، ۸۲-۶۳.
- شارع پور، محمود؛ فاضلی، محمد و اقراریان الهه (۱۳۹۱). مطالعه بین کشوری اعتماد: جامعه‌محوری در مقابل نهادمحوری. جامعه‌شناسی ایران، ۱۳(۴)، ۸۹-۶۰.
- شارع پور، محمود؛ فاضلی، محمد و اقراریان، الهه (۱۳۹۲). بررسی بین کشوری عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد به نهادهای رسمی. جامعه‌شناسی نهادهای اجتماعی، ۱(۱)، ۵۴-۳۵.
- شاطریان، محسن؛ اشنویی، امیر و گنجی پور، محمود (۱۳۹۱). تحلیلی بر نقش سرمایه‌های انسانی در توسعه شهر کاشان. برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۲(۸)، ۵۲-۴۳.
- علیوردی نیا، اکبر؛ رستمیان، آفاق و خاکزاد، زینب (۱۳۹۴). نقش متغیرهای فشار در تبیین نگرش نسبت به مصرف الکل: مطالعه موردی دانشجویان. مجله علوم اجتماعی، ۱۲(۱)، ۲۹۹-۲۲۳.
- عنایت، حلیمه؛ موحد، مجید و حیدری، الهه رحم (۱۳۹۱). امنیت و جنسیت: تفاوت‌های بین جنسی در مقابل نابرابری‌های اجتماعی و منطقه‌ای. مطالعات اجتماعی و روانشناختی زنان، ۱۰(۲)، ۳۲-۶.
- غلامزاده، خلیل و محمود شارع پور (۱۳۸۸). رابطه عضویت در انجمن‌های داوطلبانه با میزان اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان دانشگاه مازندران. رفاه اجتماعی، ۱۰(۳۸)، ۲۴۳-۲۲۱.

- فدوی، جمیله و نوابخش، مهرداد (۱۳۸۹). بررسی ابعاد سرمایه اجتماعی و نقش آن در توسعه شهری: مطالعه موردی منطقه ۵ شهر تهران. *پژوهش‌نامه علوم اجتماعی*، ۲(۱)، ۴۸-۲۵.
 - گیدنز، آنتونی (۱۳۸۴). *پیامدهای مدرنیت*. ترجمه محسن ثلاثی. تهران: نشر مرکز.
 - محمدی، محمدعلی (۱۳۸۴). *سرمایه اجتماعی و سنجش آن*. تهران: انتشارات دانشگاه علوم بهزیستی و توان بخشی.
 - معیدفر، سعید و جهانگیری، پرویز (۱۳۸۸). اعتماد اجتماعی تعمیم‌یافته و عوامل اجتماعی مؤثر بر آن (مطالعه موردی شهر ارومیه). *دانشنامه علوم اجتماعی*، ۱(۱)، ۶۷-۴۷.
 - منصوریان، محمد کریم و قدرتی، حسین (۱۳۸۸). اعتماد اجتماعی و تعیین‌کننده‌های آن: رهیافت نهاد محور یا جامعه‌محور؟. *جامعه‌شناسی کاربردی*، ۲۰(۲)، ۲۱۵-۱۸۹.
 - منوریان، عباس؛ نرگسیان، عباس؛ فتاحی، مهدی و واثق، بهاره (۱۳۸۸). بررسی رابطه بین پاسخگویی عمومی و اعتماد عمومی در سازمان‌های دولتی مناطق ۲۲ گانه شهر تهران. *پژوهش‌های مدیریت در ایران*، ۱۴(۳)، ۲۷۴-۲۵۱.
 - یاری، حامد و هزارجریبی، جعفر (۱۳۹۱). بررسی رابطه احساس امنیت و اعتماد اجتماعی در میان شهروندان (مطالعه موردی ساکنان شهر کرمانشاه). *پژوهش‌های راهبردی امنیت و نظم اجتماعی*، ۱(۴)، ۵۸-۳۹.
- Cook, K. (Ed.). (2001). *Trust in society* (1th ed.). New York: Russell Sage Foundation.
 - Halpern, D. (2005). *Social capital*. Cambridge: Polity.
 - Hardin, R. (2006). The street-level epistemology of trust. In R. M. Kramer (Ed.), *Organizational trust: A reader* (pp. 21-47). New York: Oxford University.
 - Jalava, J. (2003). From norms to trust the luhmannian connections between trust and system. *European Journal of Social Theory*, 6(2), 173-190.
 - Herrerros, F., & Criado, H. (2008). The state and the development of social trust. *International Political Science Review*, 29(1), 53-71.
 - Levi, M. (1993). Making Democracy Work: Civic Traditions in Modern Italy by Robert D. Putnam with Robert Leonardi and Raffaella Nanetti (Book Review). *Comparative Political Studies*, 26(3), 375.

- Nannestad, P., Svendsen, G. T., Dinesen, P. T., & Sønderskov, K. M. (2014). Do institutions or culture determine the level of social trust? The natural experiment of migration from non-western to western countries. *Journal of Ethnic and Migration Studies*, 40(4), 544-565.
- Offe, C. (1999). How can we trust our fellow citizens. *Democracy and Trust*, 52, 42-87.
- Putnam, R. D. (2001). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. New York: Simon and Schuster.
- Richey, S. (2009). The impact of corruption on social trust. *American Politics Research*, 38(4), 676-690.
- Robbins, B. G. (2012). Institutional quality and generalized trust: A non-recursive causal model. *Social Indicators Research*, 107(2), 235-258.
- Rothstein, B. (2000). Trust, social dilemmas and collective memories. *Journal of Theoretical Politics*, 12(4), 477-501.
- Rothstein, B. (2005). *Social traps and the problem of trust*. Cambridge: Cambridge University Press.
- Rothstein, B. (2010). Corruption, happiness, social trust and the welfare state: a causal mechanism approach. In *the Quality of Government Working Paper*. Goteborg: The Quality of Government Institute Department of Political Science.
- Rothstein, B., & Stolle, D. (2008). The state and social capital: An institutional theory of generalized trust. *Comparative politics*, 40(4), 441-459.
- Smelser, N. J., & Baltes, P. B. (2001). *International encyclopedia of the social & behavioral sciences* (Vol. 11). Amsterdam: Elsevier.
- Sønderskov, K. M., & Dinesen, P. T. (2016). Trusting the State, trusting each other? The effect of institutional trust on social trust. *Political Behavior*, 38(1), 179.
- Sztompka, P. (1998). Trust, distrust and two paradoxes of democracy. *European Journal of Social Theory*, 1(1), 19-32.
- Tamilina, L., & Tamilina, N. (2014). *The impact of formal institutions on social trust formation: A social-cognitive approach*.
- Tarrow, S. (1996). Making social science work across space and time: A critical reflection on Robert Putnam's making democracy work. *American Political Science Review*, 90(02), 389-397.
- Uslander, E. M., & Brown, M. (2005). Inequality, trust, and civic engagement. *American politics research*, 33(6), 868-894.
- Uslander, E. M. (2004). Trust and social bonds: Faith in others and policy outcomes reconsidered. *Political Research Quarterly*, 57(3), 501-507.